

# طراحی فضایی محلات شهری با تأکید بر اصول دین اسلام در شهر ایرانی-اسلامی

(مطالعه موردی: محله شهدای شهر زنجان)\*

مهندس سعید غلامی\*\*، دکتر ابولفضل مشکینی\*\*\*، دکتر اسماعیل دویران\*\*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۵/۲۳، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۱۱/۲۶

## چکیده

شهر اسلامی مفهومی است که پژوهشگران متعدد، تحقیقات مختلفی برای رسیدن به آن انجام داده‌اند. به طوری که ارائه الگو در سطح محله از دغدغه‌های موجود در این زمینه می‌باشد. از این رو الگوی ایرانی-اسلامی محله، در واقع اطلاق نقشه‌های کلی فضاهای از پیش تعیین شده در سطح محله با توجه به وضعیت موجود کالبدی است. هدف این پژوهش شناسایی ویژگی‌های کالبدی شهرهای ایرانی-اسلامی و ارائه یک الگوی فضایی از محله و ساختار آن بر اساس اصول دین اسلام، در شهرهای ایران می‌باشد. پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده که در آن از روش تحلیل متن و محتوا در جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده گردیده است. از نتایج به دست آمده این پژوهش می‌توان به امتزاج داده‌های موجود در مکتب اصفهان و تحقیقات انجام شده و مطابقت آنها با اصول مبین اسلام اشاره داشت که می‌تواند در طراحی محلات شهری مورد استفاده قرار گیرد.

## واژه‌های کلیدی

شهر اسلامی، اصول دین، تفکر اسلامی، محله شهدا، شهر زنجان

\* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری با عنوان «ارائه الگوی شهرسازی ایرانی-اسلامی با تأکید بر طرح‌های آماده سازی زمین (نمونه موردی: اراضی پادگان شهر زنجان)» است که به راهنمایی دکتر ابولفضل مشکینی و مشاوره دکتر اسماعیل دویران در دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان انجام یافته است.

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، گروه کارشناسی ارشد طراحی شهری، زنجان، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email: asaaid23@yahoo.com

Email: abolfazl.meshkini@gmail.com

\*\*\* استادیار، گروه برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس تهران.

\*\*\*\* دکترای برنامه‌ریزی شهری، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، گروه کارشناسی ارشد طراحی شهری، زنجان، ایران.

Email: socialcapital2007@gmail.com

## ۱-۱-۱ مقدمه

اسلام به عنوان یک دین از قرن هفتم در شهر مکه در کشور عربستان سعودی توسط محمد بن عبدالله مطرح شد. به طوری که در پایان قرن هشتم، این عقیده به طوری گسترش یافت که گستره آن به کشورهای نظیر هند و چین در شرق و اسپانیا و مراکش در غرب رسید (*Alsayyad & Türelı, 2009, 598*). در واقع تفکر آئینی به شهر و فعالیت‌های حاکم بر آن باعث گردید تا نمونه جدیدی از ساختار شهری پس از ورود اسلام مطرح گردد که با عنوان شهر اسلامی شناخته می‌شود. به طوری که شهر اسلامی مفهومی برای معرفی شهرهای متأثر از فرهنگ و آموزه‌های دینی و ارزش‌های اسلامی بوده برای شناخت آثار کالبدی، فضایی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی دین اسلام بر شهرها و تبیین الگویی برای تمایز شهرها از سایر شهرهای جهان، بررسی‌ها و تحقیقات متعددی انجام و تحلیل‌های گوناگونی ارائه شده است (پور احمد و موسوی، ۱۳۸۹).

از میان شهرهای بزرگ کشور، کلان‌شهر تهران به دلیل عوامل مختلفی همچون مرکزیت سیاسی، تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، صنعتی و خدماتی، بیشتر از سایر شهرها از مهاجر پذیری و سکونت غیررسمی جمعیت مهاجر برخوردار بوده و از این جهت نیز مطالعات زیادی توسط نهادها و محققان در این زمینه انجام شده است. با وجود این سابقه، در زمینه امنیت تصرف زمین در اسکان‌های غیررسمی کاری جدی انجام نشده است؛ بر این اساس، تحقیق حاضر می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.

شهرنشینی در ایران نیز بنا بر آنچه اشرف در مقاله خود به آن اشاره دارد در دو دوره تاریخی بررسی می‌شوند: یکی دوران باستان و دیگری دوران اسلامی. با آنکه اساس زندگی شهری در دوره اسلامی از شهرنشینی دوره ساسانی مایه می‌گرفت، شهرهای دوره اسلامی ویژگی‌هایی داشتند که آنها را از شهرهای پیش از اسلام جدا می‌کرد. در واقع در دوره اسلامی سازمان‌های دینی تأثیر زیادی بر شالوده زندگی شهری گذاشتند و باعث به وجود آمدن مجموعه ای همبسته در شهر گردیدند (اشرف، ۱۳۵۳). در واقع اختلاط به وجود آمده در بین شهرهای ایرانی قبل از اسلام و شهر اسلامی باعث به وجود آمدن نوع جدیدی از شهر با عنوان شهر ایرانی-اسلامی گردیده است که به نوبه خود نیازمند مطالعات گسترده ای در این زمینه جهت استخراج قواعد مدنظر می‌باشد.

شهر زنجان نیز با جمعیتی معادل ۳۸۸۷۹۶ نفر در سال ۱۳۹۰ واقع در شمال غربی ایران و سابقه شهرنشینی درخشان به عنوان یک شهر ایرانی-اسلامی مطرح است. در این شهر از دهه‌های گذشته و به ویژه بعد از انقلاب اسلامی و در دهه ۶۰ طرح‌هایی موسوم

به طرح‌های آماده سازی زمین در جهت از بین بردن توسعه‌های بی‌برنامه گذشته و ایجاد مناطقی برای زیست با عنوان شهرک‌های جدید متداول گردید. یکی از این محلات که کوی شهیدا نام دارد، با اهداف متعالی برای زیست خانواده‌های شهیدا و ایثارگران باقی مانده از انقلاب و دفاع مقدس ساخته شد، بنابر آنچه اهداف متعالی خوانده شد، می‌بایست این محلات با اصولی که از هویت ایرانی-اسلامی نشأت می‌گرفت ساخته می‌شدند که عملاً در کالبد این امر صورت نگرفت و از الگوهای غربی و متضاد با فرهنگ ملی-اسلامی بهره برداری شد. به طوری که مراکز آموزشی (مدارس) در مرکز قرار گرفته و مکان‌های مذهبی، خانه‌ها، فضای سبز و موارد دیگر در حول آن قرار گرفتند که موارد مذکور نشان از استفاده از الگوهای بیگانه با ساختار فرهنگی اجتماعی شهر می‌باشد. لازم به ذکر است، الگوهای مذکور (الگوی غربی مربوط به توسعه محلی) همچنان در ساختار این شهر روند افزایشی خود را طی مینماید و لزوم تهیه و توجه به الگوهای نشأت گرفته از آموزه‌های دینی و سابقه کهن شهری در ایران و به ویژه در شهر زنجان بر اساس اصول حاکم بر اسلام احساس می‌گردد.

## اهداف، سؤالات و فرضیات

هدف از این پژوهش در مرحله اول شناسایی ویژگی‌های کالبدی شهرهای اسلامی-ایرانی، در مرحله دوم شناسایی ضعف‌های ساختاری محلات فعلی در زمینه ارتباط با هویت اسلامی-ایرانی و در انتها نیز ارائه یک الگوی سه بعدی از محله و ساختار آن با در نظر گرفتن اصول دین<sup>۱</sup> و هویت ایرانی اسلامی، شهرهای ایرانی-اسلامی مدنظر است. در واقع این اهداف نیز در قالب یک فرضیه می‌تواند مطرح گردد به طوری که گمان می‌رود شناسایی ابعاد طراحانه محلات در دوره اسلامی در شهرهای ایرانی بتواند در طراحی فضایی محلات مورد استفاده قرار گیرد.

## ۱-۲ روش شناسی پژوهش

روش شناسی پژوهش، که روش مناسب هر پژوهش را بر اساس موضوع تحقیق و طرح آن انتخاب می‌کند، از مهم‌ترین بخش‌های فرایند پژوهش است. این پژوهش از نوع کاربردی بوده، به طوری که بتوان از نتایج به دست آمده آن در کالبد شهرهای ایرانی استفاده گردد. اما آنچه در رابطه با روش پژوهش مهم می‌نمود، این که از روش تحلیل متن و محتوا جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات بهره برداری می‌شود. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز نیز از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و از روش میدانی جهت مطالعه جغرافیایی سایت مورد طراحی برای پیاده سازی ویژگی‌های شهرهای ایرانی-اسلامی با تأکید بر

سطح محله استفاده می‌شود.

## پیشینه پژوهش

شهرنشینی در جهان، به ویژه در مشرق زمین، سابقه‌ای کهن دارد و اولین شهرها در مناطقی مانند بین‌النهرین، دره سند، دره رودخانه نیل، سواحل رود زرد، دره مکزیک و در سواحل و نقاط مرتفع پرو (واقع در آمریکای جنوبی) شکل گرفته‌اند و اولین تمدن‌های جهان را تمدن‌های بین‌النهرین، مصر و هند می‌دانند که امروزه به تمدن‌های مرده مشهور است و تمدن مغرب زمین، از این سه تمدن نخستین مایه گرفته است (موریس، ۱۳۸۷). به‌طور کلی پیدایش جوامع شهرنشین را در تاریخ به عصر نئولیتیک<sup>۲</sup> یعنی عصری که انسان از مرحله شکار و گردآوری خوراک به عصر بهره‌برداری از زمین قدم نهاد. منابع معیشتی خود را بر اقتصاد یک‌جانشینی و گسترش دهات در بین‌النهرین، مصر و هند بنا نهاد منسوب می‌کنند. تقریباً پنج هزار سال پیش از آن زمان، جوامع شهرنشین با تجهیزات مختلف، صنعت، بازرگانی و اقشار مختلف اجتماعی وجود داشته است (شکوئی، ۱۳۵۲). اسلام پس از مطرح شدن به عنوان یک دین تأثیرات زیادی بر شهرنشینی گذاشت به‌طوری‌که بیشتر کسانی که به بررسی آثار و بناها و شهرهای اسلامی و تاریخ تمدن اسلام، پرداخته‌اند، بدین باورند که اسلام دینی است شهری. از جمله ریچارد و. بولت چنین می‌گوید «بارها گفته‌ایم که اسلام در ذات خود دینی شهری است و یک زندگی کاملاً شهری را تنها می‌توان در یک محیط شهری محقق ساخت» (بولت، ۱۳۶۴). تردیدی نیست که شهرهای دوره اسلامی از جهات گوناگون تحت تأثیر تمدن‌های پیشین - به ویژه دو تمدن ساسانی و رومی - قرار داشته است. زیرا از طرفی با تسلط مسلمانان به کشورهای اطراف شماری از شهرهای قدیمی رومی و ایرانی در قلمرو دولت اسلامی قرار گرفت، و از سوی دیگر در بنای شهرهای نوپیدا مانند بغداد، به کار گرفتن مهندسان، معماران و کارگران هنرمند ایرانی معمول بوده است. در عین حال مسلمانان، ویژگی‌های فرهنگی خود را به نحوی تحسین‌آمیز بر شهرهای زیر نفوذ نهاده‌اند و تمیز شهر اسلامی را از دیگر شهرها آسان ساخته‌اند (سعیدی رضوانی، ۱۳۶۷).

در این رابطه صیاد دوره تاریخی شهرنشینی در جهان اسلام از ابتدا تا زمان حال را به سه دوره تقسیم می‌نماید: قرون وسطی، پیشامدرن و مدرن. که دوره اول شامل توسعه شبه جزیره عربستان، دوره دوم مربوط به تأسیس امپراتوری اسلامی که سه نوع از شهرها را شامل می‌گردد: اول، تأسیس پادگان - شهرها مانند کوفه، بصره و فسفات. دوم، شهرهای بزرگ موجود، مانند شهر دمشق و سوم، شهرهایی که داخل قلعه‌ها رشد کرده‌اند مانند بغداد در دوره عباسیان و قاهره در

دوره فاطمیان. در نوع اول انواع مختلفی از اصول اسلامی مانند سادگی، پیکره‌های خاص برای فضاهای شهری و ساختمان‌های دولتی قرار داشتند. به‌طور کلی در دوره‌های مذکور یک تحول قابل توجه در فرم و عملکرد مشاهده می‌شود و در همه انواع این شهرها شاهد توسعه نامنظم و اشکال تو در تو هستیم (Alsayyad & Türel, 2009, 600).

درواقع منطقه خاورمیانه (منطقه غرب آسیا) بیشترین تأثیر را از دوره اسلامی داشته است و به‌طور کلی شهرسازی اسلامی به منطقه‌ای جغرافیایی با عنوان خاورمیانه اطلاق می‌گردد (همان، ۵۹۸). از آنجایی که ایران نیز جزء یکی از کشورهای بزرگ و تأثیرگذار در خاورمیانه بوده و هست و قلمرو آن موضوع اصلی این پژوهش می‌باشد، نیاز به بررسی‌های در این زمینه نشان داد که شهرنشینی در ایران را می‌توان در دو دوران تاریخی بررسی کرد: یکی دوران باستان (قبل از اسلام) و دیگر دوران اسلامی. میان این دو دوران طولانی همسانی‌ها و ناهمسانی‌هایی دیده می‌شود (اشرف، ۱۳۵۳). به‌طوری‌که عناصر اصلی زندگی شهری در دوره اسلامی شامل حکومت، امت، اصناف، و محلات بوده است. در شهرها سازمان‌های اجتماعی دیگر نیز گاه اهمیت یافته‌اند، که از مهم‌ترین آنها انجمن‌های پنهانی همچون انجمن‌های اخوت، فرقه‌های صوفیان و درویشان و دارو دسته‌های جوانان و عیاران و رهزنان است. آنها نیز از اجزای نظام اجتماعی شهرها با اجزای سیمای شهر رابطه نزدیک دارد: قهندز و دارالحکومه مرکز اداری و حکومت شهر، مساجد و مدارس مرکز مذهبی، بازار مرکز اصناف، و محلات شهر مرکز زندگی گروه‌های اجتماعی، قومی، نژادی و مذهبی بوده است (Stern, 1970).

در سرزمین‌های اسلامی، شهر مجموعه‌ای از محله‌های متجانس و همگن است که براساس روابط مناسب، شکل و وابستگی‌های قومی، مذهبی، حرفه‌ای یا سرزمینی در مکان مشخص مجتمع شده و هدایت و اصالت خود را سال‌ها به همین صورت نگه داشته‌اند (مشهدیزاده دهاقانی، ۱۳۹۰). محلات شهر نیز سکونتگاه گروه‌های قومی و نژادی و مذهبی و صاحبان پیشه‌ها بود. در شهرهای بزرگ گاهی هر محله برای خود شهری بود نیمه مستقل با بازارها، مساجد، گرمابه‌ها، و سازمان اداری مشخص که وابسته به حکومت شهر بود. در واقع، شهرهای اسلامی مجموعه‌ای بودند از اجتماعات کوچک محله‌ای با تمام خصوصیات جامعه شناختی یک واحد اجتماعی و جغرافیایی است (اشرف، ۱۳۵۳). حال آنکه محلات شهر خصوصیات متنوعی را در خود دارا بود و شامل خانه‌های حیاطدار، کوچه‌ها و بازارهای سنتی، مساجد، حمام‌های عمومی، مدارس و غیره می‌شد (Al-azzawi, 1994). به‌طوری‌که گاه وسعت و اندازه محله‌ها بسیار متنوع بود و تعداد محله‌های یک شهر دارای قاعده مشخصی نبود

را رخ می‌نماید (تفه الاسلامی و امین زاده، ۱۳۹۲، ۴۱). اما در دوران قاجار (قاسمی سیجانی و معماریان، ۱۳۸۹، ۸۸) نقطه افول محلات آغاز گشته و در دوران معاصر بسیار نزول می‌نماید تا جایی که الگوهای دیگری (غربی) جایگزین الگوهای کهن گشته و از امتداد یافتن الگوهای سنتی اسلامی-ایرانی جلوگیری می‌نمایند.

### اصول دین اسلام در کالبد شهر

برای یافتن تأثیرات کالبدی دین اسلام در شهر اسلامی-ایرانی، نیاز بود تا ابتدا مباحثی در رابطه با مکتب اصفهان، به عنوان آخرین مکتب موجود در ایران پس از اسلام، که تأثیرات ناشی از اعتقادات مردم و حکومت به اسلام در آنها را می‌توان یافت، بررسی اجمالی شده و در ادامه بر مباحث حاکم (نظری و عملی) بر کالبد شهر اسلامی-ایرانی با لحاظ کردن اصول حاکم بر اسلام را در کالبد شهر جستجو کرد. مکتب اصفهان در دیدی تاریخی به شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی به عنوان یک نقطه ی اوج مطرح است. این مکتب به دلیل نزدیکی به دوران معاصر، و امتزاج مناسب و صحیح نظرات اسلامی و ایده‌های ایرانی می‌تواند به عنوان منبعی برای شهر پژوهی مطرح باشد، از طرفی نیز مطالعات دوران معاصر در زمینه شهرهای ایرانی-اسلامی و استخراج مفاهیم و مستندات برای استفاده به دست آمده که با لحاظ کردن این اندیشه‌ها و مکتب اصفهان و قواعد موضوعی حاکم بر کالبد آن و قرار گرفتن قواعد مذکور و مستندات به دست آمده و نظرات حاکم بر اصول دین می‌تواند منجر به ایجاد یک پارادایم مناسب در طراحی گردد. آنچه از مکتب اصفهان به عنوان آخرین مکتب در اوج حاکم بر شهرهای ایرانی و در برگرفته مفاهیم و مسائلی است که از جمله این مفاهیم می‌توان به دومفهوم «عالم همه منظر اوست» و «جز در کثرت خویش وحدت و کل در وحدت خود کثرت را نشانگر است» رانام برد. اما در رابطه با مفهوم اول این مکتب می‌کوشد از ایجاد نقطه گریز دید و توجه تام و تمام به یک نقطه برحذر کند. در واقع فضا در هر نقطه محصور می‌گردد و انسان را در خود می‌گیرد و از نقطه ای خاص او را به دیگر فضاها رهنمون می‌سازد. اما در رابطه با مفهوم دوم، سعی می‌گردد در مقابل مفهوم کل مجموعه اجزای متشکله است، بایستد و جز را در مقیاس‌های خویش کامل دیده و وحدت را نشان دهد. برج و بارو را برای تعریف کالبدی شهر، ایجاد مجموعه‌های جدید در کنار مجموعه‌های کهن شهری، استفاده از سلسله مراتب فضایی در جهت نشان دادن این که هر مقیاسی بر آن است تا بازتابی از اصل وحدت بخش جهان است باشد و عالم صغیر را پرتوی از عالم کبیر بداند و نگاهش به عنوان مرکز ثقل عالم صغیر از زمین به آسمان کشیده شود و بازتاب آن را

(سلطان زاده، ۱۳۹۰)، حتی در مواردی محله‌ها در بعضی از شهرها دارای دروازه‌های مخصوص خود بودند که در مواقع ناامنی در هنگام شب و دیگر مواقع ضروری بسته می‌شدند (ناصر خسرو، ۱۳۵۸). از سوی دیگر هم محله‌ای بودن نیز نوعی ارزش محسوب می‌شد و گونه‌ای تعهد برای هر یک از افراد محله، برای حمایت از سایر افراد محله خود در برابر دیگران ایجاد می‌کرد (کیانی، ۱۳۶۸).

### پارچوب نظری

#### شهر اسلامی-ایرانی

نسل‌های بسیاری پیش از ما درگیر طراحی، ساخت و نقد محله‌های شهری بوده‌اند. در دوره‌ای ایجاد محله‌های شهری کانون توجه طراحی و برنامه‌ریزی شهری بود اما به تدریج این نگرش کم رنگ‌تر شد. انتقادات سنگینی علیه اهداف و ادعاهای اجتماعی آن (که شامل ایجاد اجتماع منسجم محلی می‌شد)، صورت گرفت. به رغم این انتقادات تلاش برای ایجاد اجتماع منسجم محلی از مناظر سیاسی و اجتماعی در باره محله گرفته تا ارئه انواع پیشنهادات برای طراحی محله‌های پایدار دوباره آغاز شده است. این روند که می‌توان آن را (شهر گرایی خرد) نامید به دنبال طراحی و ایجاد محله‌ها و مجتمع‌های زیستی کوچک مقیاس به دنبال خلق دوباره شهر کوچک بوده است. به نظر می‌رسد فضای عمومی نقش اصلی را در درون نمای فکری طرفداران شهرگرایی خرد ایفا می‌کند همان‌طور که در گذشته، مجتمع‌های زیستی کوچک و محله‌های شهر آن نقش را داشته است. هم‌زمان ایجاد بخشی با هویت از بافت شهری تحت نام (محله) تلاشی برای استمرار بخشیدن به فضای خصوصی صمیمی ورای خانه است (مدنی پور، ۱۳۸۷).

پیدایش محلات در شهر ایرانی قبل از اسلام به‌ویژه از دوره مادها که آغاز شهرگرایی نیز می‌باشد، به صورت ابتدایی و مانند چینی که هنوز تکامل نیافته شکل می‌گیرد و با گذار از شهر مادی به شهر هخامنشی در شار میانی و بیرونی ظهور و بروز می‌نماید. در دوره شهر پارسی نیز این روند طی می‌شود اما تکامل محلات زیر نظر تکامل شهر پیش می‌رود و این روند تا دوره شهر ساسانی نیز تعقیب شده و به دوره ظهور اسلام می‌رسد، در این دوره محله به عنوان یکی از عوامل مشخصه شهر دوره اسلامی ظهور می‌یابد، در واقع در ابتدا محلات محلی برای ایجاد تعارضات و قشربندی‌های اجتماعی است که در ادامه به ترکیبی از سه جامعه شهری، روستایی و ایلپاتی بدل می‌شود و در سبک آذری به تعادل رسیده و و از هرگونه برتری قومی، مذهبی، نژادی و موارد دیگر باز می‌ماند. سپس با ایجاد اولین دولت ملی در ایران در دوره صفویه مفهوم محله اوج گرفته و در کالبد خود

۱۳۸۶، ۴۲). فکوهی نیز شهر اسلامی را مبتنی بر چند کارکرد اساسی می‌داند که بر پایه همین کارکردها نیز فضاهای خویش را به وجود آورده و به آنها نظم می‌بخشد. نخستین کارکرد آن کارکرد سیاسی-نظامی بود. به طوری که برخی شهرهای اسلامی مراکز پادگان‌های نظامی (مانند کوفه و بصره) و برخی نیز از نظر سیاسی (مانند بغداد) دارای اهمیت بودند. دومین کارکرد مهم، کارکرد دینی داشت و خود را در فضای مسجد جامع و مساجد شهر نشان می‌داد. کارکرد دیگر موجود، کارکرد اقتصادی است که به طور عمده در چارچوب بازارها یا سوق‌ها متبلور می‌شد و سرانجام باید به کارکرد مسکونی در شهر اسلامی اشاره کرد (فکوهی، ۱۳۸۳). تأثیرات اصول دین بر شهر اسلامی-ایرانی شامل تأثیراتی است که البته این تأثیرات و جوه مختلفی دارند که دارای ارتباطات معناداری باهم هستند. از جمله این تأثیرات می‌توان در رابطه با اصل توحید<sup>۱</sup> با توجه به معنا و مفهوم موجود در آن اشاره داشت به موارد و موضوعات زیر:

قریب به یک سوم آیات قرآن در رابطه با معاد مژگورده است. خداوند متعال با بیان این آیات، در واقع وجود عالم آخرت را به بشر گوشزد می‌کند و با الفاظ صریح، محکم و بیدار کننده در مقابل

در زمین ببیند. این مکتب بر آن است تا تعاون و توازن (تعادل فضایی و توازن کالبدی) را در جلوه‌ای با نام تقارن و فضاها متقارن و دیگر بسترها بروز دهد. القای فضای انسانی در برابر مقیاس انسانی، مرکزیت آرمانی در برابر مرکزیت هندسی و تبدیل مرکزیت هندسی شهر بیش از آن به مرکزیت عقیدتی-سیاسی و اجتماعی-فرهنگی از اهداف دیگر مکتب اصفهان است. از ویژگی‌های دیگر می‌توان به سیالیت و تداوم فضایی نیز از دیگر مفاهیم این مکتب است به عبارتی این مکتب با ایجاد بناها و مجموعه‌های مردم‌وار، هویت خویش را از آنان اخذ کرده و به آنها هویت می‌دهد (حبیبی، ۱۳۷۸). بررسی‌های تاریخی در مورد شهرهای گذشته نشان می‌دهد که این شهرها تحت تأثیر عوامل اقلیمی و فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی شکل فضایی خاصی پیدا کرده‌اند. این شکل فضایی در مواردی آن قدر قوی است، که حتی به کمک یک نقشه دو بعدی یا یک عکس هوایی ساده می‌توان ترکیب آن را تشخیص داد. پیشگامانی که جنبه‌های شکلی و فضایی شهر را مورد مطالعه خود قرار داده‌اند، هر یک روش‌هایی برای مطالعه چند نمونه شهر پیش گرفتند و سر انجام ماحصل مطالعات خود را به صورت قواعدی برای مطالعه شهرها ارائه کردند (توسلی و بنیادی،



شکل ۱. اصول و پیشنهادهای طراحی در محلات شهری

با تفکر معادی مورد بررسی قرار گرفت. این فضا به عنوان یک فضا به دلیل داشتن نقش تذکر در خود با فضاهای دیگر متمایز می‌گردد و در خود به عنوان یک فضا درونمایه و محتوایی قوی از انرژی و تفکر را به انسان یادآور می‌شود. باید تذکر داد که شهر اسلامی شهری است عالی‌ترین ویژگی آن ذکر و تذکر دهی است (نقی زاده، ۱۳۹۱).

اما در رابطه با موضوع نبوت به عنوان یکی از اصول دین باید مدنظر قرار گیرد که این معیار نیز بدین صورت تأثیرات خود را می‌گذارد. پیامبر اسلام به عنوان یک الگوی جهانی در امور فردی و اجتماعی به وسیله قرآن مطرح است. به طوری که بر زندگی افراد و اجتماع مسلمانان تأثیر می‌گذارد. این تأثیر پذیری خود را در مفاهیم بیان شده (توحید و معاد) تجلی می‌یابد برای مثال مسجد به عنوان یک کاربری شهری بنابر سنت باقی مانده از پیامبر اسلام بنا نهاده شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد.

#### ویژگی و عناصر شهر اسلامی - ایرانی در ابعاد محله

طراحی شهری هنرمندسی کمی و کیفی در رابطه با طراحی و باز طراحی در جهت ارتقاء کیفیت زندگی در محیط‌های شهری است. در سال‌های اخیر و به ویژه پس از ظهور مدنیسم در غرب و ورود آن به ایران، در بطن شهر و طراحی محلات شهری نوعی مدرگرایی و جوزدگی مشاهده می‌شود که باعث گردیده است تا ایده‌های چندصد ساله در طراحی شهری و محله‌ای به فراموشی سپرده شود و سعی گشته تا نوعی تقلید ناشیانه جایگزین آن گردد که در شرایط محیطی ایران بسیار نامناسب می‌نماید. از طرفی نیز پس از ظهور دوره مذکور اندیشه‌های تزریق شده اسلامی در شهرها و محلات اسلامی نیز با کنار گذاشتن تجربیات، کنار گذاشته می‌شود. حال آنکه در این پژوهش سعی می‌شود تا موارد مدنظر اسلام با گنجاندن در اصول دین مورد شناسایی و در انتها در طراحی مورد استفاده قرار گیرد. به طور خلاصه، در شهرهای تاریخی و معاصر ایران، عنصر محله به عنوان یکی از اجزاء مهم شناسایی شده است. هر محله به صورت واحدی اداری، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و دینی جزیی از شهر محسوب می‌شده است. محلات شهر سکونتگاه صاحبان حرف و مشاغل خاص، اقلیت‌های دینی و طبقات اجتماعی مختلف بوده‌اند. از نظر کالبدی و فضایی مجموعه شهر، محلات و مرکز شهر ترکیبی متحد و متجانس ایجاد می‌کرده‌اند.

تعداد محلات شهر بسته به بزرگی و کوچکی شهر تفاوت داشته است و همان‌طور که شهر دارای مرکز بوده، محلات شهر نیز دارای مراکزی بوده‌اند که عناصر عمده و فضاهای آن بنابر وضعیت اجتماعی و اقتصادی ساکنین محله شکل می‌گرفته‌اند، مرکز محله

منکرین و کفار وعده عذاب می‌دهد و جای هیچ‌گونه شک و شبه‌ای باقی نمی‌گذارد. تأکید بر معاد از طرف خدای متعال، این موضوع را می‌رساند که این اصل نیز همچون توحید از نوامیس انکار ناپذیر عالم حقیقت است و ایمان و اعتقاد به معاد، آثار ارزنده‌ای در زندگی فردی و اجتماعی انسان داشته و تأثیرات کالبدی در زندگی اجتماعی او دارد. تفکر معادی در شهر باعث ایجاد امنیت روحی، روانی و جسمانی در حوزه‌های خصوصی و عمومی جامعه مسلمان می‌گردد که ناشی از یاد مرگ در تمامی امور می‌باشد که البته این عامل باعث تأثیرات کالبدی چون، فشردگی در بافت (عرض کم معبر و موارد دیگر)، استفاده از قلعه و دروازه و موارد دیگر در شهر گردیده‌است.

در واقع امنیت یکی از مهم‌ترین چالش‌های بشری در رابطه با زندگی جمعی است (صارمی و صارمی، ۱۳۸۹، ۴۹). که در سایه اعتقاد به معاد می‌توان شاهد آن در شهر نیز بود. همچنین عدالت به عنوان یکی دیگر از این تأثیرات در سه طرف توجیه‌پذیر است که شامل: توجه به ساحت‌های حیات، تعادل در احقاق حقوق شهروندان و هماهنگی شهر با تعادل عالم وجود می‌شود (امین زاده و نقی زاده، ۱۳۸۱، ۳۰-۲۵)، که اگر مبنای عمل قرار گیرد، باعث آبادانی شهرها در ابعاد مختلف خواهد بود.

از طرفی مسجد نیز به عنوان عنصری شهری و محوری برای اسلام مدنظر است، این عنصر شهری اسلام نقشی اساسی در زندگی هر مسلمان داشته و به عنوان مکانی برای سخن گفتن انسان با معبودش عمل کند به طوری که می‌تواند ساعات دنیاوی و اخروی وی را نیز برای او به بار آورد. مسجد از ابتدای به وجود آمدن مکانی عبادی، سیاسی، آموزشی و فرهنگی بوده و در برخی موارد این ویژگی را در خود در عصر حاضر نیز حفظ کرده است. سادگی فرم در کالبد شهرهای اسلامی و درونگرایی خانه‌های شهری نیز در ارتباط یکدیگر قرار گرفته و رابطه معناداری با آبادانی مساجد را در خود پنهان کرده‌اند و نقطه کلیدی در این بحث اعتقاد به معاد می‌باشد، زیرا وقتی این اعتقاد در جامعه مسلمان رشد نماید باعث می‌گردد تا دو مکان که به ترتیب اهمیت خواهند آمد آباد گردند: اول، مسجد (ضرابی و علی نژاد طیبی، ۱۳۸۹، ۱۹) و دوم، خانه (نقی زاده، ۱۳۷۹). مسجد به خاطر ارزش‌های انسانی و الهی خود و خانه به دلیل حرمت‌های موجود (مکانی برای پرورش انسان‌ها و وجود حرمت‌های انسانی مورد تأکید اسلام) در خود بر مبنای اسلام اما فرم شهر نیز به دلیل توجه به این دو عنصر، ساده می‌ماند، لازم به ذکر است که این کالبد نباید طوری جذاب باشد که انسان را در از تفکر معادی باز دارد، پس باعث سادگی در فرم می‌گردد. گورستان نیز به عنوان یک کاربری شهری که می‌تواند به عنوان فضای شهری عمل نماید (حقیر و شوهانی زاد، ۱۳۹۰، ۸۳). در ارتباط

مزاحمت ساکنان محله را فراهم نیاورد، ساخته می‌شد. تعداد بناهای مزبور به وسعت هر محله و موقعیت اقتصادی - اجتماعی ساکنان آن، بستگی داشت (همان). بر اساس آنچه اصول دین نام دارد، مشاهده و پیشنهاد می‌شود که عوامل و عناصر زیر به گونه‌ای که در رابطه با آنها ذکر شده در محلات شهر اسلامی ایرانی در نظر گرفته شود.

**محله:** به مجموعه‌ای اطلاق می‌شود که اولاً بیانگر وحدت جامعه اسلامی است، این وحدت ریشه در وجه توحیدی اصول دین دارد. یکپارچگی در کالبد و نماها، وجود قلمرو مشخص، وابستگی به شرایط زمین در ابعاد و اندازه و غیره از ویژگی‌های آن به حساب می‌آید. در طراحی محله باید بر طراحی مناسب ورودی آن نیز تأکید گردد، که پیشنهاد می‌شود از پوشش گیاهی در این مورد استفاده به عمل آید که هم می‌تواند باعث کاهش سرعت و هم باعث تلطیف فضا و هم باعث ایجاد قلمرو می‌گردد. محله در واقع باید دارای مرکز محله، معابر و ورودی‌های مناسب شرایط زندگی مسلمین، شیوه مناسب در اتصال به شریان‌های اصلی و موارد دیگر باشد. و ویژگی عمده حاکم بر آن امنیت و آرامش می‌باشد.

**مرکز محله:** در واقع مرکزی کانونی است که باید بر اساس نیازهای شهروندان مسلمان به وجود آید. مرکز محله بر اساس آنچه از نامش بر می‌آید، نخست مرکزی است برای فعالیت‌های محله، دوم، نیازهای فرهنگی و آموزشی و مذهبی اهالی محله را تأمین کند و سوم، نباید از سبک‌های غربی موجود تقلید نماید. و باید در فواصل مناسب و مورد نظر و در عناصر موجود باید پیوستگی کامل در نظر قرار گیرد. به طوری که مرکز محله شامل عناصری همچون مسجد، مراکز آموزشی، مراکز تجاری، مراکز فرهنگی و موارد دیگر باشد. اما آنچه باید در طراحی مدنظر قرار گیرد، این موضوع است که در طراحی‌های آینده با توجه به غلبه سبک غربی-تقلیدی باید بر ایجاد سبک جدیدی از طراحی مرکز محله تأکید گردد، به طوری که همزیستی با طبیعت، امنیت، ریتم و توازن، تقارن، شاخص بودن عنصر مسجد، فضاهای بازی برای کودکان و موارد دیگر را در خود داشته باشد.

**مسجد:** این مکان به عنوان یک کاربری رایج شهرهای اسلامی بیانگر هر سه اصل بحث شده مدنظر پژوهش می‌باشد. از این نظر که جزء سنت‌های پیامبر اکرم(ص) در ایجاد و استفاده بر وجه نبوت و در توجه به این مکان چه در از نظر انجام عبادت و چه از نظر انجام فعالیت‌های مسلمین و از نظر شاخص بودن نما، فضا، شکل، مصالح و موارد دیگر بر وجه توحیدی آن تأکید دارد. اما در رابطه با وجه معادی، باید در نظر داشت که ذکر از مرگ باعث می‌گردد تا مسجد به عنوان مکانی برای جمع‌آوری خیر و اعمال حسنه و مکانی برای قرب الهی در نظر گرفت تا بر وجه معادی موضوع تأکید گردد.

عناصر متفاوتی مانند مسجد، میدانچه یا حسینیه، بازارچه یا آب انبار را در خود جای می‌دهد و محل قرارگیری آن در مسیر یا تقاطع دو یا چند گذر اصلی بوده است (توسلی، ۱۳۸۱). در واقع هر محله در زمینه تأمین نیازهای خدماتی و اجتماعی دارای نظامی تقریباً مستقل بود و تأسیسات و تجهیزات مورد نیاز اهالی را در خود جای می‌داد. این نهادها و تجهیزات از نظر کالبدی در فضایی قرار می‌گرفتند که حتی الامکان بهترین نحوه دسترسی، که اغلب مهم‌ترین عامل محسوب می‌شد، به عوامل و شرایط دیگری، از جمله موقعیت محله نسبت به بازار و راه‌های اصلی شهر، اراده بنیانگذاران فضاهای خدماتی و اهالی محله بستگی داشت. مقدار فضای اختصاص یافته به عناصر خدماتی و تأسیسات هر محله و کیفیت و نوع فضاها، علاوه بر مشروط بودن از ویژگی‌های عام پدیدآورنده و شکل‌دهنده شهر و آداب و رسوم و اعتقادات اهالی هر محله، از یک سو به وضعیت و توان اقتصادی اهالی محله و از سوی دیگر به وسعت و اندازه محله بستگی داشت. در یک محله متوسط، علاوه بر مسجد و حمام، چند مغازه تجاری برای تأمین مایحتاج روزانه و هفتگی اهالی محله وجود داشت. قصابی، خوار و بارفروشی، میوه و سبزی فروشی از نخستین مغازه‌هایی بودند که در یک مرکز محله تأسیس می‌شدند (سلطان زاده، ۱۳۹۰). نوع تأسیسات هر مرکز محله به خصوصیات عام جغرافیایی و اقلیمی شهر وابسته بود. چنان که اشاره شد، آداب و رسوم اهالی هر شهر نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری فضای هر مرکز محله داشت. در برخی از شهرها به مراسم عزاداری خیلی اهمیت داده می‌شد و اهالی هر محله برای تأمین فضای لازم برای این مراسم اقدام به ساختن حسینیه می‌کردند. در شهر دیگری (و در دوره ای دیگر) اهالی یک شهر ممکن بود به اجرای تعزیه در مراسم عزاداری اهمیت دهند، (مثل تهران در دوره ناصر دین شاه)، بنابراین اهالی هر محله، فضایی را برای انجام آن در نظر می‌گرفتند. مرکز هر محله، علاوه بر تأمین نیازهای معنوی و دوره‌ای اهالی، همواره به عنوان فضایی برای تجمع و گذاران اوقات فراغت اهالی محله به شمار می‌رفت و در آنجا، اهالی از آخرین اخبار و اطلاعات مطلع می‌شدند. در بعضی از شهرها رسم بود که در مواقع خاص در مرکز محله طبل می‌نواختند و به این ترتیب ساکنان را به حضور فوری در محل فرا می‌خواندند. احداث بناها و فضاهای عمومی در مرکز محله‌ها به دو گونه، صورت می‌پذیرفت در محله‌های بزرگ، بناهای عظیم و مجموعه‌های عمومی، علاوه بر مرکز محله نیز احداث می‌شد. در این گونه محله‌ها، علاوه بر تأسیسات ضروری شهروندان، بناهایی فرهنگی و مذهبی از قبیل مدرسه و خانگاه هم ساخته می‌شد. در محله‌هایی که در نزدیکی مراکز بازرگانی قرار داشتند، یک یا چند کاروانسرا و کارگاه‌های تولیدی نیز در جایی که حتی الامکان موجب

کالبد شهر مشاهده می‌شود. همان‌گونه که مطرح گردید، قریب به ۶۰ محله را در شهر زنجان موجود است که تعداد ۳۵ محله جزء محلات قدیمی و تعداد ۲۵ محله آنها جزء محلات جدید هستند. در این تقسیم بندی محله شهدا یکی از محلات جدید به حساب می‌آید. که با توجه به موقعیت نسبی آن در جنوب شرقی شهر زنجان با جمعیتی معادل ۴۱۶۵ نفر، تعداد ۹۶۵ خانوار ساکن و مساحتی معادل ۳۷ هکتار به عنوان یک محله شناخته می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶). این محله جزء محلاتی است که در دوره نوزایی محلات شهری به روش آماده‌سازی زمین ایجاد گردیده است. در واقع هدف این طرح‌ها ساماندهی فعالیت‌ها در زمینه زمین شهری و نحوه واگذاری آن با شرط بهبود شرایط در کیفیت زندگی صورت گرفت.

همان‌گونه که اشاره شد این محله در دهه ۱۳۶۰ جزء اولین محلات ساخته شده بوده و با هدف جمع‌آوری بازماندگان خانواده‌های شهدا و ایثارگران در خود ایجاد گشت. اما پس از احداث این محله و عدم حاکمیت ارزش‌های فرهنگی، ملی و اسلامی و عدم تحقق آرمان‌های حاکم بر فضا، مهاجرت‌های درون شهری خانواده‌های موجود در این محله قابل مشاهده است به طوری که تقریباً اکثریت نزدیک به ۹۵٪ درصد ساکنین جای خود را به افراد دیگر دادند. از دیگر عواملی که در این مهاجرت‌ها تأثیرگذار بود، می‌توان به جهت توسعه شهری در شهر زنجان، مناسبات فرهنگی-اجتماعی حاکم بر شهر، تفاوت‌های

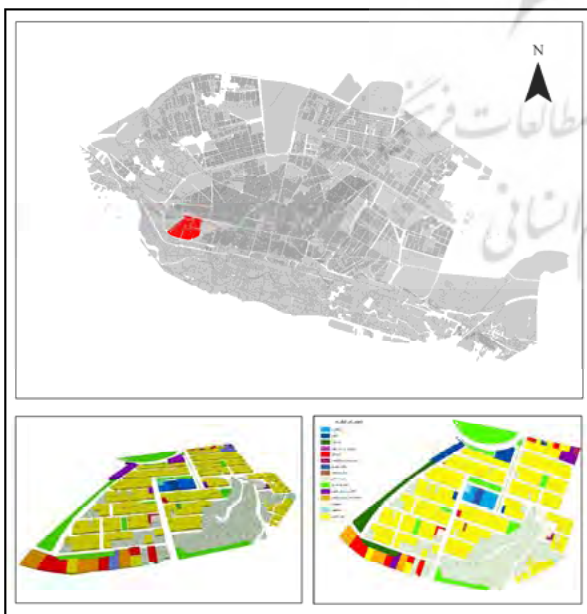
**مسکن:** مکانی است در محلات مسلمین که می‌باید از لحاظ امنیت و پوشیدگی در سطح خوبی قرار گیرد. این مکان بسته به وضعیت اقلیمی باید در ابعادی نزدیک به شکل مربع طراحی گردند و در ورودی بر فضای نیمه خصوصی- نیمه عمومی تأکید نمایند به این معنا که باید در تبدیل فضای عمومی به خصوصی، فضای نیمه عمومی- نیمه خصوصی را به عنوان فضای تبدیل‌گر داشته باشد و در کل فضایی برای آرامش مؤمن و عبادت او تبدیل گردند و از هر گونه اشرافیت در بنا جلوگیری به عمل آید که موارد ذکر شده بر وجوه توحیدی و معادی و نبوت تأکید دارد. که این طراحی در واقع باعث می‌گردد تا اقلیم و مسائل دیگر در طراحی لحاظ گردد.

**معاپر:** بر خلاف ادعای محققین مبنی بر اندام‌واری و نامنظم بودن معابر شهرها و محلات اسلامی، این خصیصه به شدت بر طراحی توپوگرافیک محلات شهری وابسته است. به این معنی که شبکه معابر بر اساس توپوگرافی زمین سامان می‌یابد و نظم می‌گیرد. این ویژگی در واقع باعث یکپارچگی و عدم تقلید در کالبد محلات می‌گردد و این موارد بر وجوه توحیدی و معادی و سنت نبوی تأکید دارد. در محله می‌باید تا حد امکان عرض معابر کم گردد و از کوچه‌های بن بست شده توسط خانه‌ها استفاده گردد تا قلمروهای مشخصی در مناطق مسکونی به وجود آورد.

**فضاهای تجاری، فرهنگی و آموزشی:** بر اساس آنچه در قسمت مرکز محله به آن اشاره شد، در رابطه با فضاهای تجاری، فرهنگی و آموزشی این موارد باید در طراحی در نظر گرفته شود: که نخست، فضاهای مذکور باید بر اساس نیازها و تعداد استفاده‌کننده‌ها بنا نهاده شوند، تیپ نماها و شکل حجمی آنها نباید با سایر عناصر مرکز محله تفاوت نماید. دوم، باید مایحتاج عمده محله را از نظر مواد و وسائل مصرفی و خوراکی تأمین نماید تا از رفت و آمدهای بیش از حد به مرکز شهر و رفت و آمدهای درون محله به وسیله، وسیله نقلیه جلوگیری نماید. اما در رابطه با فضاهای آموزشی نیز باید بر اساس تعداد جمعیت و اندازه محله تأمین گردد.

### محدوده مورد مطالعه

شهر زنجان در محدوده شمال غربی ایران واقع شده است. این شهر دارای محلات قدیمی و جدیدی در بطن خویش است. این محلات که به دو بخش محلات قدیمی و محلات جدید تقسیم می‌گردند، وجه تمایزشان در شیوه ساماندهی درون محله‌ای، معابر متفاوت، پیوستگی فضایی و فرسودگی کالبدی در محلات قدیمی و در محلات جدید بر شیوه توسعه محله ای وارد شده در دهه ۶۰ بر مبنای الگوی برون‌زا در



شکل ۲. موقعیت محدوده مورد مطالعه در شهر زنجان



اقتصادی-اجتماعی در معاملات و تفکر درون شهری، اشاره داشت.

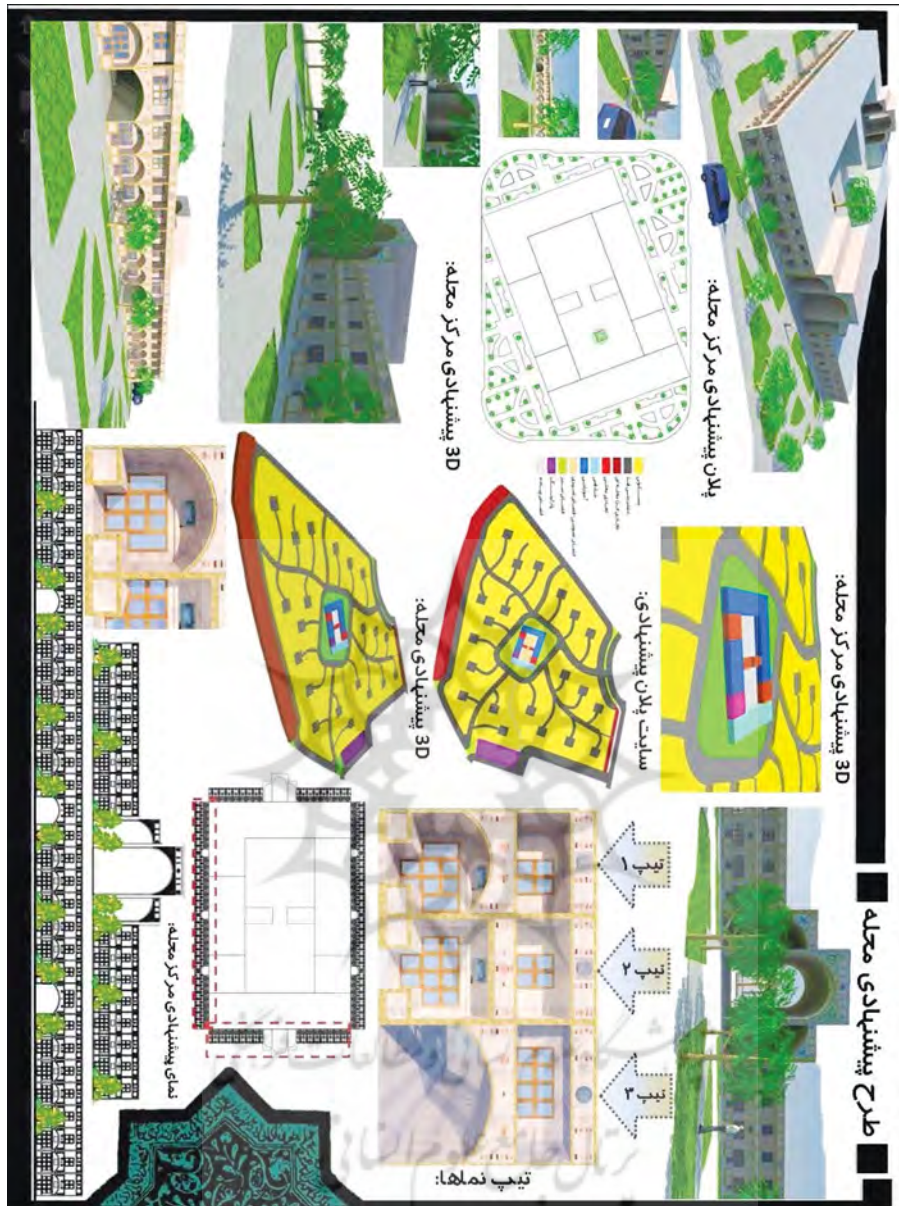
## ۱۱ طرح پیشنهادی ممله

پیش از اینکه به شرح نقشه پیشنهادی پرداخته شود، بهتر است تا چند نکته تذکر داده شود، نخست این موضوع که طراحی محله اسلامی بر اساس آنچه مراد اسلام است، بسیار سخت می‌نمود، که نگارندگان سعی نمودند تا ابعاد مختلف اصول دین با در نظر داشتن مکتب اصفهان به عنوان آخرین مکتب در اوج عصر گذشته و نزدیکی آن به دوران حاضر در تظاهر کالبدی مورد کنکاش قرار گیرد و اثرات خود را نمایان گرداند. از طرفی بررسی نظرات کارشناسان مختلف که در مواردی بسیار متناقض با نظرات یکدیگر بود، نیز بر نگارندگان نشان داد که بررسی‌های مختلفی از باب شهر اسلامی-ایرانی صورت گرفته، اما به این دلیل که از زاویه دیگری بر موضوع توجه شده است، موضوع مدنظر نگارندگان در آن پژوهش مغفول مانده بود. از طرفی نیز مباحث مختلفی چون توحید و عدل به وفور مورد پژوهش قرار گرفته بود و موضوع پر اهمیت معاد مورد غفلت قرار گرفته بود. به طوری که نگارندگان سعی در رفع این نقیصه داشته و بر اهمیت موضوع فوق‌الذکر تأکید کرده و در کنار مباحث دیگر مورد بررسی قرار دادند. اما همان‌گونه که در شکل ۳ پیشنهادی مشاهده می‌شود که مرکز محله به عنوان مرکز نقل و اتکای فعالیت‌های درونی محله و نقش رفع مایحتاج ساکنین، نیازمند باز طراحی یا باز آفرینی کالبدی-اجتماعی است. به این معنا که الگوی توسعه محله‌ای (الگوی پری در توسعه واحد همسایگی) با قرارگیری واحد آموزشی ابتدایی در کانون و دورزدن فعالیت‌ها و کاربری‌های مورد نیاز محله به دور آن به صورت گسسته و تکه تکه و صرفاً عملکردی در کنار یکدیگر باید تغییر کرده (لازم به ذکر است تقلید ناشیانه الگوی غربی در طراحی محله نیز یکی دیگر از عواملی است که به تغییر این الگو کمک می‌نماید) و جای خود را به الگویی بومی و تحت سیطره اسلام دهد. این تغییر بنابر تجربیات شهرسازی ایرانی قبل از اسلام و جمع آنها با تجربیات شهرسازی در بعد از وقوع اسلام و به وجود آمدن نوعی از شهرسازی با عنوان شهرسازی ایرانی-اسلامی و وجود مکاتب مختلف در این بازه زمانی نشان دهنده این موضوع هستند که در طراحی مرکز محله از اصل اصل پیوستگی فضایی به عنوان یکی از عوامل مهم در نظر گرفته شده است. در کنار این بحث در تمامی تجربیات به دست آمده، مسجد به عنوان مکانی کلیدی و در کانون توجه قرار گرفته است. پس به همین دلیل در شکل ۳ مرکز محله به صورتی پیوسته و در محوریت کاربری مسجد قرار گرفته به گونه‌ای که به سختی می‌توان

کاربری‌های مختلف پیوسته کالبدی مابین مسجد و کاربری‌های مختلف را از هم جدا نمود و حتی تشخیص داد. در این طراحی فضای سلب از حالت گذشته خود که به صورت تکه‌ای جدا و در کنار کاربری آموزشی قرار می‌گرفت در دو قسمت مورد بهره برداری قرار گرفت، در مورد اول در اطراف مرکز محله پیشنهادی طوری قرار گیرد تا بتواند امنیت لازم را از نظارت‌های عمومی موجود در مرکز محله کسب و در وهله دوم از فعالیت‌های عمومی استفاده‌کنندگان در جهت پایداری (رسیدگی به محیط عمومی) خود بهره‌مند گردد و موجبات آسایش انسانی را به وجود آورد. فضای سبز در قسمت دیگر از طراحی محله نیز مورد استفاده قرار گرفته، آن هم در انتهای معابر داخل مناطق مسکونی که به صورت بن بست به وسیله بناها در نظر گرفته شده است قرار می‌گیرد و این فضا باید به گونه‌ای باشد تا ساکنان معدودی که در درون آن معبر زندگی می‌کنند بتوانند احساس راحتی و آرامش کنند. در ادامه در جواب این سؤال که چگونه می‌توان بلوک‌های مسکونی را طراحی نمود؟ در طراحی بلوک‌ها باید بر طراحی توپوگرافیک تأکید نمود به این معنا که بلوک‌بندی‌ها باید از توپوگرافی تبعیت کنند و در طراحی معابر نیز همان‌گونه که اشاره شد باید از معابر بن بست به دور بلوک‌ها استفاده نمود، و برای مرکز محله نیز از یک لوپ استفاده کرد. اما در رابطه با ابعاد کالبدی فضا باید از ابعاد وسایل نقلیه مختلف که مجاز به ورود به محله هستند استفاده شود و در طراحی معبر در داخل بلوک نیز باید حتی‌المکان عرض معبر کم شود تا این عامل نیز در کنار عامل بن بست بودن معبر بتوان بر امنیت محله و استفاده از ویژگی‌های محیطی کمک نماید. اما به لحاظ مباحث زیبایی شناختی باید مرادی چون تعادل، تقارن، تضاد و نظم در طراحی کلیت محله رعایت گردد. به این معنا که در شکل‌دهی به ساختار اصلی مرکز محله و در بناهای مسکونی و مخصوصاً در نماهای آنها که تظاهر کالبدی نمایان آنها می‌باشند باید در نظر گرفته شود. همان‌گونه که در شکل ۳ دیده می‌شود، تیپ‌های مختلف برای قسمت‌های مختلف مرکز محله طراحی شد. به‌طور کلی در طراحی مرکز محله استفاده از تباین فضایی با بهره جستن از گیاهان و بدنه کالبدی در فضا صورت گرفت.

## ۱۲ نتیجه گیری

شهرسازی اسلامی مشتمل بر مبانی نظری مرتبط با اصول و ارزش‌هایی است که باید در طراحی و برنامه‌ریزی محیط زندگی مسلمانان رعایت شده و بر روابط انسان و محیط (طبیعی و مصنوع) حاکم باشند. حال تلقی حاکم از عنوان شهرسازی اسلامی-ایرانی



شکل ۳. طرح پیشنهادی محله

برای ایجاد محله‌های شهری عوامل مذکور و تأثیرات آنها را به صورت روشن و واضح در بطن کالبدی گسترش دهد. با تحلیل متن و محتوا مشخص گردید که تأثیرات مختلف اصول دین اسلام بر تظاهر کالبدی شهر چگونه و چطور است و بروز کالبدی آنها چگونه خواهد بود. به عنوان مثال مشاهده شد که مسجد به عنوان یک کاربری چند وجهی با اصل توحید و معاد ارتباط مستقیم و با اصل نبوت به صورت

لزوم تدقیق مسائل مذکور با مسائل بومی حاکم بر شهرسازی می‌باشد. این مقاله به بررسی و شناسایی عناصر و عوامل سازنده بافت شهری از زاویه اصول دین اسلام پرداخته و اقدام به ارزیابی و تحلیل آن نمود تا بتواند در طراحی‌های آینده از آنها استفاده نماید. از این رو این پژوهش بر آن بود چگونگی تأثیرگذاری اصولی همچون توحید، نبوت و معاد را در کالبد شهر بکاود. و به‌طور پیوسته نیز در روند تصمیم‌سازی

۲. امین زاده، بهناز؛ و نقی زاده، محمد. (۱۳۸۱). آرمانشهر اسلام: شهر عدالت، فصلنامه صفا، ۱۲(۳۵)، ۳۱-۲۱.
۳. بولت، ریچارد و. (۱۳۶۴). گرایش به اسلام در قرون میانه. (محمد حسین وقار، مترجم) تهران: تاریخ ایران.
۴. توسلی، محمود. (۱۳۸۱). ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران. تهران: پیام و پیوند نو.
۵. توسلی، محمود؛ بنیادی، ناصر. (۱۳۸۶). طراحی فضای شهری: فضاهای شهری و جایگاه آنها در زندگی و سیمای شهری. تهران: انتشارات شهیدی.
۶. نقه‌الاسلامی، عمیدالاسلام؛ امین زاده، بهناز. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی. هویت شهر، ۱۳، ۴۵-۳۳.
۷. حبیبی، محسن. (۱۳۷۸). از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۸. حقیر، سعید؛ و شوهانی زاد، بلدا. (۱۳۹۰). چگونگی ارتقای جایگاه گورستان‌ها در جوانب فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری در ایران. باغ نظر، ۱۷، ۹۴-۸۱.
۹. سعیدی رضوانی، عباس. (۱۳۶۷). بینش اسلامی و جغرافیای شهری. تحقیقات جغرافیایی، ۸، ۴۴-۷.
۱۰. سلطانزاده، حسین. (۱۳۹۰). تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران: از دوران باستان تا ۱۳۵۵. تهران: انتشارات چهار طاق.
۱۱. شکویی، حسین. (۱۳۵۲). جغرافیای شهری جلد ۱ و ۲. تبریز: دانشگاه تبریز.
۱۲. صارمی، حمیدرضا؛ و صارمی، مسعود. (۱۳۸۹). عوامل پیدایش ناامنی در شهرها از منظر اسلام. مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، ۱، ۴۵-۵۸.
۱۳. ضرابی، اصغر؛ و علی نژاد طیبی، کاووس. (۱۳۸۹). تحلیلی بر عناصر و کاربریهای شهری در شهرهای اسلامی. کتاب ماه هنر، ۱۴۳، ۲۷-۱۶.
۱۴. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسانشناسی شهری. تهران: نشر نی.
۱۵. قاسمی سیچانی، مریم؛ و معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۹). گونه شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان. هویت شهر، ۵، ۹۴-۸۷.
۱۶. کیانی، محمد یوسف. (۱۳۶۸). شهرهای ایران. تهران: جهاد دانشگاهی.
۱۷. مدنی پور، علی. (۱۳۸۷). فضاهای عمومی و خصوصی شهر. (فرشاد نوریان، مترجم). تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
۱۸. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۶). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن. زنجان: ۱۳۸۵.
۱۹. مشهدیزاده دهاقانی، ناصر. (۱۳۹۰). تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، تهران: دانشگاه علم صنعت.
۲۰. موریس، جیمز. (۱۳۸۷). تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی. (راضیه رضازاده، مترجم). تهران: دانشگاه علم و صنعت.
۲۱. ناصر خسرو. (۱۳۵۸). سفرنامه ناصر خسرو. (به کوشش نادر وزین پور). تهران: جیبی.
۲۲. نقی زاده، محمد. (۱۳۷۹). ویژگی‌های کیفی مسکن مطلوب: مبانی طراحی و روش‌های تحصیل آن. صفا، ۳۱(۱۰)، ۱۰۳-۹۰.
۲۳. نقی زاده، محمد. (۱۳۹۱). ذکر: عالیتین ویژگی برای عالی ترین محیط

غیر مستقیم مرتبط بوده و نقش ایفا می‌نماید. در بررسی‌ها مشاهده شد که در نظر نگرفتن اصول دین در طراحی به عنوان اصول اسلامی اگر مورد غفلت قرار گیرد، نمی‌توان در کالبد هویت اسلامی را پیاده نمود. نتایج تحلیل داده نشان داد که اسلام دینی اجتماعی است که تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان را مورد توجه قرار داده است. در تمامی ابعاد مذکور با اصولی مدنظر است که عمل به آنها فرد را مسلمان و جامعه را جامعه مسلمان می‌نماید و برای آنکه کالبد شهر نیز بتواند در اختیار این جامعه باشد باید اصول ظهور کالبدی یابند، این ظهور کالبدی را می‌توان از تجربیات شهرهایی که بعد از وقوع اسلام به وجود آمدند و یا تغییر شکل دادند و از آنچه کتاب، احادیث و روایات و فقه در رابطه با شهر اسلام یافت. در نتیجه می‌توان ظهور و بروز اصول دین اسلام را در کالبد شهر اسلامی مشاهده و طراحی کرد. از طرفی با جمع تجربیات گذشته شهرهای ایرانی با خواص شهرهای اسلامی، به‌طوری که منجر به ایجاد شهرهای ایرانی اسلامی گردد، شهرهای اسلامی ایرانی را طراحی کرد. این پژوهش با مطالعه میدانی محله شهدای شهر زنجان با توجه به اصول شهرسازی ایرانی-اسلامی اقدام به طراحی آن نمود. به‌طوری که در انتها مرکز محله در شیوه سازماندهی تغییر کرد و در رابطه با بلوک‌های ساختمانی و معابر آنها نیز شیوه‌ای اتخاذ گردید تا از توپوگرافی منطقه مورد مطالعه تبعیت نموده و در عرض معابر از حداقل آن جهت ایجاد امنیت و آرامش با بن بست بودن پیروی نماید. همچنین فضای مسجد بعنوان نقطه ثقل محله در مرکزیت جغرافیایی قرار گرفته و شبکه‌های محله را به خود منعطف می‌سازد تا بتواند نقش معاد و توحید را به‌صورت بارز نمایان سازد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. با توجه به آنکه در تعداد اصول دین اسلام اختلافاتی در بین شیعه و سنی به عنوان دو شاخه اصلی تشکیل دهنده دین اسلام وجود دارد، در این پژوهش سعی بر آن است تا اصول مورد توافق هر دو طرف یعنی توحید، معاد و نبوت مورد کنکاش قرار گیرد.

## 2. Neolithic

۳. توحید عبارت است از اعتقاد و التزام به خدواند عالم به‌طوری که او را یگانه داشته و معتقد بود که ترکیب در اجزا و صفات در او راه ندارد، توحید دارای مراتبی است که از جمله ی آنها توحید ذات و صفات، ربوبیت و الهویت، خلق، عبادت و ....

## فهرست مراجع

۱. اشرف، احمد. (۱۳۵۳). ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی. نامه علوم اجتماعی. دوره قدیم (۴)، ۴۹-۷.

25. AlSayyad, N., & Türeli, I. (2009). Islamic Urbanism, *International Encyclopedia of Human Geography*, 598-606.

26. Stern, S. M. (1970). *The constitution of the Islamic city*, oxford.

زندگی. کتاب ماه هنر، ۱۷۳، ۱۶۹-۱۴.

24. Al-Azzawi, Subhi. (1994). Traditional Neighbourhoods: A Detailed Checklist for Identifying, Analysing and Appraising the Concepts of their Passive Solar Design Characteristics, *Renewable Energy*, 5, 54-65.



various aspects of Islam religion and its crystallization in the cities which it is reinforcement and giving identity to the Iranian and Islamic culture and thoughts in Iran urban systems and urban planning.

... **Keywords:** Islamic city, Islam principles, Islamic thinking, Shohada Neighbour hood, Zanjan city.



# Designing of Spatial of City Quarters with Emphasis on the Islam Principles in Iranian - Islamic City (Case Study: Shohada Neighbourhood in Zanjan)

**Saeid Gholami\***, M. A. Student., Islamic Azad University, Department of Urban Design, Zanjan, Iran.

**Abolfazle Meshkini**, Ph.D., Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

**Esmail Daviran**, Ph.D., Islamic Azad University, Department of Urban Design, Zanjan, Iran.

## ... Abstract

Worldview and ideology of Islam is one of the main factors in shaping of Islamic cities which is related with Iranian thinking. It is formed Iranian-Islamic urban planning pattern in each settlement complex. In fact, Islamic city has a constant nature in which it has its own physical manifestation at any particular time and place. In other words, Islamic city has a potential nature in which it can have its own particular manifestation based on technology, available materials, updated knowledge and art in Public cultural space (Which is not in conflict with Islamic values and principles) at any time and place. So, Islamic city is a concept that numerous researchers have done different studies to achieve it. While providing a model of quarter space is existing concern in this field. Hence Iranian - Islamic model of quarter refers to systematic maps of the predetermined spaces in the quarter level according to the physical situation. The model is based on three basic elements including mosque oriented, quarter oriented and market. This study aimed to recognize the physical characteristics of Iranian - Islamic cities and provide a spatial pattern of the quarter and its structure based on the Islam principles Such as monotheism, prophet hood and resurrection in Iran cities. This study considers the assumption of identifying city quarter's design aspects in Islamic period to apply considered principles in spatial designing quarters. Land army barracks quarter in Zanjan city is used as a case study. Research Methodology in This study is Development type with application approach which the text and content analysis is used to analyze the data. The results show that the use of the mosque as a multi-faced land use is associated directly with monotheism and indirectly with the resurrection. Its physical manifestation in city indicates Islamic-Iranian identity. The results show that in Islamic-Iranian cities building blocks associated with quarter scale, mosque relation with quarter spatial structure, quarter tissue relation with topography, surrounding spaces relation with mosques, central quarter religious pattern, blocks' size, gridded streets, privacy and covering principles in designing are basic factors in designing spatial quarters. All these factors are parts of Islamic factors which can be applied in Land army barracks town in Zanjan as suitable design pattern. On the other hand, placement of services use with mosque-oriented can establish a collective space and social relations regulated with a focus on Islam. Finally Data existed in Isfahan school and data gathered in this study can be considered simultaneously (amalgamated) in order to be conformed to Islam principles and be used in cities quarters design. According to analysis and obtained results of the research case study can be stated which showing the Iranian – Islamic urban planning principles that effect of Iranian - Islamic schools such Isfahan school in the city quarters physical, explain and demonstrate the

\* Corresponding Author: Email: asaaid23@yahoo.com